

صفات یاران امام زمان(عج) در آیینہ آیات قرآن

آیات و روایات زیادی در باب امام‌عصر^(عج) وجود دارد که برخی به زمان ظهور و کیفیت ظهور حضرت و برخی به ویژگی‌های یاران ایشان و مأموریت و رسالت آن‌ها اشاره می‌کند. ازجمله روایاتی که به ارتباط آیه۱۴۸ سوره بقره یا وجود اقدس امام‌زمان^(عج) اشاره می‌کند، حدیث ابن ابی عمیر است که در آن امام‌صادق^(ع) مراد از خیرات را در عبارت «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» امر ولایت دانسته‌اند. آن‌گاه درباره تعبیر «اِنَّنِیْ مَا تَكُونُوْا یَآتِ بِکُمْ ا... جُعیعاً» فرمودند: «ایشان ۳۱۳ نفر اصحاب امام عصرند. به خدا قسم آنان همان امت شمرده‌شده(معدوده) هستند که در یک ساعت همچون ابرهای پاییزی که پراکنده‌اند و به‌هم متصل می‌شوند، گردهم می‌آیند». در این آیه شریفه، تأکید معصومین بر تطبیق کلمه خیرات با امر ولایت، گویای این نکته است که در مسیر بندگی ذات اقدس حضرت حق، وابستگی هرچه بیشتر به مقام ولایت و سرسپردگی در آستان حضرات معصوم، نقش کلیدی دارد.

تاریخ‌نیز گواهی می‌دهدبیشترین آسبیبی که از صدر اسلام تا به امروز متوجه جامعه اسلامی شده است، از وابستگی نداشتن به ولایت نشئت گرفته است. نتیجه این تحلیل، آن است که همه اصحاب امام‌زمان^(عج) که خدا در هنگام ظهور آن‌ها را گردهم جمع می‌کند، یک جهت و نقطه هدف دارند که خداوند آن را تعیین کرده است. در برخی از آیات قرآن هم به شهادت روایات معصومان^(ع) از صفات یاران امام‌زمان صحبت شده است، مثلاً از آیه۱۵۵ سوره بقره به‌عنوان هفتمین آیه مهدوی قرآن کریم که حسب‌نص روایات بیانگر علائم ظهور امام‌زمان مطابق تحلیل‌های بیان شده‌است، می‌توان ویژگی‌های یاران حضرت ولی‌عصر^(عج) را استفاده کرد. در روایات ائمه‌به این نکته اشاره شده‌بود که پس از بروز امتحان‌های مختلف الهی، صابران در این عرصه‌های امتحانی را به ظهور امام‌زمان^(عج) بشارت ده. سپس در آیه بعد، صابران را کسانی معرفی می‌کند که در هنگام مواجهه با مصیبت‌ها می‌گویند: «ما از آن خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم». با وجود اینکه در بین ما چنین رایج شده است که عبارت «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ» را در مقام مواجهه با خبر مرگ افراد استفاده می‌کنیم، درحقیقت این عبارت، شعار انسان‌هایی است که در عرصه حیات و زندگی، خدا را محور اساسی می‌دانند و به‌مدیریت تام‌وتمام جهان توسط پروردگار باور یافته‌اند. لذا در مواجهه با مصائب و گرفتاری‌های زندگی نیز این باور خود را با بیان این جمله، بروز و ظهور می‌دهند، بنابراین طبق این آیه شریفه، از برجسته‌ترین خصوصیات یاران امام‌زمان که در برخی دیگر از آیات مهدوی قبل هم بدان اشاره شد، خدامحوری در زندگی است.

در آیه۱۵۵ سوره بقره، جلوه دیگری از صفات یاران امام‌زمان^(عج) نیز بیان شده است و روایت دیگری که مواجهه مردم با عرصه‌های مختلف امتحان‌های پروردگار را جزو نشانه‌های قیام حضرت مهدی^(عج) معرفی می‌کند، روایت محمدبن‌سلم از حضرت صادق^(ع) است. امام‌صادق^(ع) در این روایت می‌فرماید: «پیشاپیش قیام قائم، نشانه‌هایی خواهد بود، گرفتاری‌هایی که از جانب خدا برای بندگان مؤمنش است: «ان قدام اقیام[لقائم علامات، بلوی من... تعالی لعباده المؤمنین». محمدبن‌مسلم می‌گوید از حضرت پرسیدم: «آن گرفتاری‌ها چیست؟» امام با اشاره به آیه مورد بحث فرمودند: «یعنی حتما مؤمنان را به چیزی از ترس یعنی از پادشاهان فلان خانواده در پایان سلطنتشان و گرسنگی یعنی با گرانی قیمتشان و کمبود ثروت‌ها یعنی تباهی بازرگانی و کم‌سودبودن تجارت‌ها، و جان‌ها یعنی مرگ زودرس و میوه‌جات یعنی کم‌شدن کشاورزی و کمبود برکت میوه‌ها آزمایش خواهیم کرد و در چنین هنگامی به بردباران مژده بده به خروج حضرت قائم^(عج)». آنچه در این نوبت در تحلیل روایت باید به آن توجه‌شود، این است که امام‌صادق^(ع) مخاطب پروردگار در آیه مورد اشاره را مؤمنان معرفی می‌کنند که در فرهنگ کلمات اهل‌بیت^(ع) بر شیعیان اطلاق می‌شود، بنابراین ابتلائات و آزمایش‌های پیش‌گفته برای کسانی است که معتقد به امام‌زمان^(عج) و منتظر فرج آن حضرت هستند. ازسوی دیگر در جای خود تبیین شده است که هدف از امتحان‌های الهی، رشد‌دادن و تربیت انسان‌هاست، لذا معلوم می‌شود که مواجهه مؤمنان با عرصه‌های امتحان در هنگامه نزدیک‌ظهور، برای رشد یافتن ایشان و آماده کردن زمینه‌های ظهور حضرت است که همانا با صبر و مقاومت در برابر ابتلائات تحقق می‌یابد. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که همه ما را بر ایمان به وجود امام عصر^(عج) و دعا کردن برای ظهور ایشان، ثابت‌قدم بدارد و ما را از یاران حضرت قرار بدهد. ان‌شاء...!

- سؤال:** تعدادی از زوج‌ها به دلایل طبی، بیچه‌دار شدنشان به‌طور طبیعی امکان‌پذیر نیست و چه‌بسا از جنین‌های منجمد در بانک جنین استفاده می‌کنند. حال سؤالاتی در این زمینه مطرح است: ۱. قرار دادن جنین(حاصل از تلقیح تخمک و اسپرم زوجین شرعی) در رحم زن غریبه چه حکمی دارد؟ ۲. آیا رضایت زوج‌های صاحب جنین، معتبر است؟ ۳. آیا درصورت مرگ زوجین صاحب جنین، جلب رضایت وراث لازم است؟ ۴. دریافت وجه در قبال اهدای آن جنین، چه حکمی دارد؟ ۵. پس از تولد، والدین حقیقی نوزاد چه کسانی هستند؟ ۶. اگر نوزاد بعد از تقسیم ارث والدینش متولد شود، تکلیف ارث او چه می‌شود؟ ۷. وضعیت محرمیت، حضانت، ولایت و نفقه این کودک، چگونه خواهد بود؟

● پاسخ اجمالی:

بیشتر مراجع تقلید، تلقیح مصنوعی و قرار دادن جنین در رحم زنی دیگر(غیر از صاحب تخمک) را -به خودی خود- حرام ندانسته و اقدام به آن را درصورت ضرورت، جایز شمرده‌اند، البته برخی فقها این کار را صرفاً درصورتی جایز می‌دانند که بین صاحب اسپرم و صاحب رحم، عقد ازدواج -به‌صورت موقت یا دائم و با رعایت شرایط آن- صورت گیرد. درباره احکام مرتبط با این موضوع، بین فقها اختلاف نظر است.

● آیت...العظمی خامنه‌ای

فی‌نفسه اشکال ندارد، ولی باید از مقدمات حرام ازقبیل نگاه و لمس حرام و غیر آن‌ها اجتناب شود. رضایت ولی جنین لازم است. اگر ولی شرعی موجود باشد، باید با رضایت او باشد. توسط ولی شرعی اشکال ندارد. صاحب تخمک و اسپرم، والدین فرزند هستند. با توجه به اینکه در زمان فوت مورث جنین موجود بوده است، درصورتی که کامل شود و زنده متولد شود، ارث می‌برد و سهم‌الارث او از سهم‌الارث بقیه ورثه، کسر می‌شود. به صاحب تخمک و اسپرم، محرم است و اگر از صاحب رحم شیر خورده باشد، به صاحب رحم و هرکسی که به فرزند او محرم است و نیز به شوهر او محرم است و ولایت او با صاحب اسپرم است.

● آیت...العظمی سیستانی

تلقیح مصنوعی اسپرم زوج با تخمک زوجه و کاشت آن در رحم زن غریبه به خودی خود حرام نیست، ولی از این جهت که تلقیح مصنوعی غالباً همراه با دیدن بدن زن یا لمس و نگاه به آن است، حرام می‌شود، لذا در غیر حال ضرورت، مراجعه‌کننده مجاز به دیدن بدن زن نیست. درهرحال، چنانچه بچه‌ای متولد شود، انتساب او به‌زوجه(صاحب تخمک) یا به صاحب رحم، محل اشکال است. بنابراین -به احتیاط واجب- لازم است در مسئله ارث بین آن‌ها مصالحه صورت گیرد و از این نظر که صاحب تخمک، همسر پدر بچه است، محرم بچه می‌باشد و همچنین صاحب رحم(مانند مادر) محرم بچه است و از طرف دیگر زوج(صاحب اسپرم) پدر شرعی او محسوب می‌شود.

ادامه دارد...

مروری بر آنچه علما درباره شفاعت و توسل و شبهات مربوط به آن گفته‌اند

توسل؛ ریسمان محکم اجابت

آئمه‌مستقیمی یکی از اعتقادات مهم شیعی که در سربال دشمنی‌های وهابیت، جزو سکناس‌های اصلی برای حمله به ما قرار دارد. مسئله توسل است و به‌واسطه آن شیعیان را به شرک متهم می‌کنند. در حالی که با کمی سواد قرآنی و تأمل در سیره معصومان، اصالت، حقانیت و اعتبار این باور مشخص می‌شود. از این‌رو مروری کرده‌ایم چیستی و چرایی توسل و نیز پاسخ‌هایی را که علما به شبهات در این باره داده‌اند.

شرط اجابت دعا‌های ما

توسل به‌عنوان یکی از اصطلاحات علم کلام، به معنای واسطه قرار دادن عمل یا شخصی در پیشگاه خداست. انسان در این عالم اسباب به‌خاطر نیازهایش ناچار است از سبب‌ها استفاده کند، لذا خداوند متعال در آیه۳۵ از سوره مبارک مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَنِتَّبُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» یعنی وسیله‌ای برای تقرب به خدا بجویید، در روایات پیامبر اکرم^(ص) و امامان معصوم^(ع) نیز بر لزوم توسل به اولیای الهی هنگام دعا تأکید شده است، چنان‌که از رسول خدا^(ص) نقل است: «هر دعایی محجوب است تا اینکه بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود»(میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۶۶۲). یعنی صلوات بر پیامبر^(ص) و اهل بیت ایشان از مهم‌ترین وسایل نزدیکی به خداوند و بهره‌مندی از الطاف اوست.

دیدگاه آیت... طباطبایی درباره توسل

با وجود شبهاتی که وهابیت در موضوع توسل به مسلمانان به‌ویژه شیعیان وارد می‌کند، پاسخ‌هایی که علما به این شبهه داده‌اند، نه‌تنها باب شبهات را می‌بندد، بلکه ضرورت‌های دینی این باور را ثابت می‌کند، برای مثال علامه طباطبایی^(ره) در تفسیرالمیزان آورده است: «کسانی که به اهل شفاعت یعنی به اولیای خدا متوسل می‌شوند، کارشان بدون دلیل نیست. آن‌ها می‌دانند که اولا خدای تعالی در کلام مجیدش به افرادی که مرضی درگاهش باشند، مقام شفاعت داده و فرموده است: «وَلَا تَقْلِبْكَ الْذِّبِیْنَ یَذْعَبُونَ مِنْ ذَوْنِهِ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ یَقْلَعُونَ»(زخرف، ۸۶) و اگر در درخواست‌هایشان، خدای تعالی را به جاه آن حضرات و به حق آنان سوگند می‌دهند، در این عمل خود، دلیل دارند و آن کلام خود خدای تعالی است که می‌فرماید: «وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْغَوْسَلِیْنَ» اِنْتُمْ لَهِمْ الْمُتَّصِفُونَ* «وَأِنْ جُئْنَا لَهِمُ الْعَالِیُونَ»(صافات، ۱۷۱-۱۷۲) و نیز می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِیْنَ آمَنُوا»(اعراف، ۵۱) و اگر آن حضرات را تعظیم می‌کنند و با زیارت قبورشان و بوسیدن ضریحشان، به آنان اظهار محبت می‌کنند و به تربت آنان تبرک می‌جویند، برای این است که این اعمال را مصادیقی برای تعظیم شعائر می‌دانند و به به آیه شریفه «مَنْ عَظَّمْ شَعَائِرَ... فَأُولَئِهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»(حج، ۳۲) و آیه مودت به‌ذی‌القربی و به آیات دیگر و روایات سنت، تمسک می‌کنند.

پاسخ حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی به شبهه افکنان

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی نیز در این باره می‌گوید: در آیه ۱۳۱ سوره اعراف، خداوند می‌فرماید: بنی اسرائیل به موسای نبی^(ع) این چنین می‌گفتند: «وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّنُصْرِكَ بِهَا فَمَا تَعُدُّ لَنَا بِمُؤْمِنِينَ وَكَفَبَ لَكُم مَّوَدِعُ الْوَعْدِ الْغَدُ» و می‌گویند: ما به تو ایمان آورده نیستیم، مفسر قرآن و صاحب تفسیر «نور»، این آیات را پاسخی به وهابیانی می‌داند که توسل را شرک می‌دانند و در این باره می‌گوید: وهابی‌ها توسل را شرک می‌دانند، یا حسین و یا ابوالفضل را شرک می‌دانند. یهودیانی که بالاترین درجه لج‌بازی را داشتند و به موسی^(ع) می‌گفتند هزار تا معجزه هم بیاوری ایمان نخواهیم آورد، وقتی گیر کردند، گفتند: «یا فُوسِی اذْعُ لَنَا، یا موسی! در حق ما دعا کن». این آیه پاسخ خوبی برای وهابیانی است که می‌گویند توسل غلط است.

توسل در فرهنگ قرآن

در نگاه قرآن کریم، تقرب به‌خدای متعال با وسایل گوناگون، امکان‌پذیر است، ازجمله با اسمای حسنای الهی که در آیه ۱۸۰ سوره مبارک اعراف به خواندن خداوند به وسیله آن‌ها فرمان داده شده است: «وَاَلْأَسْمَاءَ الْخُسْنَىٰ فَادْعُوهُنَّ» و در دعا‌های پرشماری که از اولیای الهی نقل شده، به آن عمل شده است. همچنین از آیه ۱۰۳ سوره آل عمران برمی‌آید که توسل به حبل... نیز جایز است که از حبل...، به قرآن، اهل بیت^(ع) و طاعت تفسیر شده است، چنان‌که در آیه۱۶ همین سوره، ایمان وسیله درخواست بخشش گناهان از زبان مؤمنان معرفی شده است: «الَّذِیْنَ یَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَعْمَانَا فَافْعَلْ لَنَا ذُنُوبَنَا، و در آیه ۱۰ سوره حشر، درخواست ایشان درباره بخشش برادران ایمانی خود نیز گزارش شده است: «یَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِیْنَ سَبَقُونَا بِالْإِیْمَنِ». بیشتر مسلمانان به‌ویژه شیعیان، توسل به انبیا و اولیای الهی را یکی از مصادیق روشن وسیله و مایه نجات می‌دانند، ولی برخی مسلمانان درخواست حاجت از ائمه^(ع) و استاثه به آنان را بدعت و شرک می‌شمرند. در جواب آنان گفته شده است که درخواست کمک از پیامبر اکرم^(ص) مربوط به زمان ایشان بوده است، پس بدعت نیست و چون در توسل، اولیای الهی وسیله محسوب می‌شوند، به‌طور مستقل از آن‌ها سؤال نمی‌شود. منافاتی با توحید ندارد و شرک محسوب نمی‌شود.

بازخوانی نگاه

آیت... سبحانی درباره توسل

ایشان می‌گوید این تصور که توسل به غیر خدای سبحان، به منزله خداپنداشتن او و عبادت غیر خداست، به‌دودلیل باطل است، اول: اگر توسل به دعای پیامبر^(ص) و به خود او و به حق او شرک بود، لازم بود هر توسلی حتی توسل به دیگران در امور عادی هم شرک باشد، درحالی که بی‌شک چنین نیست؛ زیرا همه از نوع توسل به اسباب است، چه اسباب عادی چه غیرعادی، طبیعی یا غیرطبیعی. دوم: عبادت و خضوع در مقابل دیگری به‌عنوان آن است که او خدا یا پروردگار است یا کارهای خدا به واسطه او سپرده شده است. در توسل به پیامبران و صالحان و شهدا هیچ‌یک از این قیده‌ها نیست، بلکه از این نظر به آنان توسل می‌شود که بندگان مورد احترام خدایند و دعای آنان نزد خداوند سبحان، مستجاب است یا اینکه خودشان و حق ایشان نزد خداوند، منزلتی دارند و توسل به آنان، در دای رحمت الهی را به جوش و خروش می‌آورد. چگونه توسل به پیام‌آور توحید، شرک است، درحالی که به او از این نظر توسل می‌جویند که با شرک مبارزه کرد و بنیان شرک را درهم ریخت؟(گردآوری از کتاب سیمای عقاید شیعه، آیت...العظمی جعفر سبحانی، مترجم: مواد محدثی، ص ۱۴۵).



دشمنی وهابیت با توسل

وهابی‌ها، زیارت قبر نبی اکرم^(ص) و توسل به انبیا و صالحان، تجدیدنای قبر اولیای الهی، نذر کردن، تبرک‌جستن و حتی برگزاری جشن به‌مناسبت تولد پیامبر اسلام^(ص) را بدعت می‌شمارند. با وجود آنکه از علمای سلف کسی به حرمت توسل قائل نبوده و نیز آن را از مسائل اعتقادی به‌شمار نیاورده است، این تبییه در قرن هشتم و همچنین پیروان وی با بدعت و شرک دانستن توسل و استدلال بر آن به آیه «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَیْهِ... رُفْقَی، و آیاتی که از خواندن جز خدا نهی یا سرزنش کرده‌اند، به تثبیت پایه‌های این اعتقاد نادرست پرداختند. آن‌ها به این نکته توجه نمی‌کنند که در توسل به پیامبر^(ص)، ایشان هرگز مشمول پرستش و نیز دعا و درخواست قرار نمی‌گیرند، بلکه آن حضرت تنها وسیله درخواست از خداوند هستند و همه شیعیان بر این باورند که اگر فردی به الوهیت (الهی بودن) پیامبر^(ص) یا ائمه^(ع) اعتقاد داشته باشد یا آن‌ها را شرک خدا در صفات و افعال بداند، مشرک و نجس است و باید از او اجتناب شود.(مناظرات فی العقائد والاحکام، ج ۲، ص ۲۳-۲۶).

موضع آیت... مکارم شیرازی

موضوع توسل به پیامبر^(ص) و اولیای دین یعنی آن‌ها را وسیله و شفیع در درگاه خدا قرار دادن، مطلبی است که نه با حقیقت توحید منافات دارد نه با آیات قرآن مجید، بلکه تأکیدوی است بر توحید و اینکه همه چیز از ناحیه خداست. در آیات قرآن نیز بارها به‌موضوع شفاعت و همچنین استغفار و طلب آمرزش پیامبر^(ص) برای مؤمنان اشاره شده است، با این حال بعضی دورافتادگان از تعلیمات اسلام و قرآن، اصرا دارند هرگونه توسل و شفاعتی را منکر شوند و برای اثبات مقصود خود، دست‌و‌پزهای پیدا کرده‌اند، ازجمله آیه «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ... أَعْدَاءَ (جن، ۱۸). آن‌ها می‌گویند: «مطابق این آیه، قرآن دستور می‌دهد: نام هیچ‌کس را همراه نام خدا نبرید و جز او را نخوانید و شفاعت نطلبید!، ولی انصاف این است که این آیه هیچ ارتباطی را مطلب‌ان هاندارد، بلکه هدف از آن نفی شرک، یعنی چیزی را هم‌ردیف خدا در عبادت یا طلبیدن حاجت، قرار دادن است. اگر انسان از انبیای الهی شفاعتی بخواهد یا تقاضای وساطت در درگاه پروردگار کند، نه‌تنها قرآن آن را نفی نمی‌کند، بلکه گاه خود پیامبر^(ص) را به این معنی دعوت می‌کند و گاه به دیگران دستور می‌دهد که از پیامبر^(ص) شفاعت بخواهند. در آیه ۱۰۳ سوره مبارک که توبه می‌خوانیم «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» از اموال آن‌ها زکات بگیر تا به وسیله خدا یا پروردگار است یا کارهای خدا به واسطه او سپرده شده است. دعای کن که دعای توبه آرامش آن‌هاست، و در آیه۹۷ سوره مبارک یوسف از زبان برادرانش خطاب به پدر می‌خوانیم: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» ای پدر! برای ما استغفار کن که ما خطا کار بودیم، یعقوب نیز این تقاضا را نه‌تنها انکار نکرد، بلکه به آن‌ها قول مساعد داد و گفت: «سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» به‌زودی برای شما از درگاه خداوند، تقاضای آمرزش می‌کنم، لذا موضوع توسل و شفاعت طلبیدن با این مفهوم، از دستورهای صریح قرآن است(گردآوری از تفسیر نمونه، آیت...العظمی مکارم شیرازی، ج ۲۵، ص ۱۲۳).